

سخن

شماره دوم

اردیبهشت ۱۳۴۵

دوره هفتم

هنر نمایش

رشته‌های تازه ادبیات که بر اثر ارتباط با دنیای غرب و بتأثیر ادبیات خارجی در این پنجاه ساله آخرین در فارسی به جود آمده همه سرنوشت واحدی نداشته اند، یعنی پیشرفت و توسعه آنها باهم مساوی و یکسان نبوده است.

رمان نویسی هیچگاه رونق بسزائی نگرفت. راست است که بعضی نمونه های خوب و امید بخش در این فن بوجود آمد، اما دوره معینی رانمی توان گفت که زمان رونق رمان فارسی بوده است. امروز هم با کمال تأسف باید بگوئیم که در ادبیات ما محصول رمان اندک است و نمونه هائی که هست چندان برجسته و درخشان نیست که بتوان ببقای آنها امید داشت، یعنی در باره آنچه که امروز بوجود می آید نمی توان یقین گفت که تا ده بیست سال

دیگر بازخواننده خواهد داشت و اکنون باید چشم برآه نویسندگان آینده باشیم.

داستان کوتاه در آغاز پدید آمدن خوش درخشید: نخست جمال زاده نمونه های خوب از داستان کوتاه بوجود آورد، سپس صادق هدایت استادى و زبردستى خاصى در این رشته نشان داد چنانکه نه همان میان همزبانان خود، بلکه پیش دیگران هم قدر و مقامى یافت. چند نویسنده دیگر نیز هر يك در حد خود و بشیوه خویش در نوشتن داستان کوتاه ذوق و هنرى آشکار کردند. اما رونق این بازار نیز چندی است که بکساد مى کشد و دیر است که شهسوار تازه ای در این میدان بجولان نیامده است.

اما نمایش نویسى از صد سال پیش با ترجمه آثار آخوند زاده بدست میرزا جعفر قراچه داغی آغاز شد و پس از او میرزا ملکم خان در این رشته آثاری بوجود آورد. از آغاز حکومت مشروطه بپس جهمی صاحب ذوق و صاحب هنر در نوشتن نمایشنامه و بازی کردن آن شور و شوق فراوان نشان دادند و فداکاری کردند. تکامل این هنر، بخصوص در قسمت نمایشگری آن، بسیار تدریجی بود و بدشواری انجام مى گرفت. همه پیشرفتهائی که در این فن حاصل شد نتیجه کوشش اهل هنر بود، و گرنه در آن دوره هنوز جامعه برای تشویق این هنر استعدادی نشان نمى داد و زمینه اجتماعى برای رشد و تکامل نمایش وجود نداشت.

هنرمندان متعدد در این کار رنج بردند و هر يك بنوبه و سهم خود هنر نمایشگری را رونقى بخشیدند. اما همه این کوششها فردى بود. اگر نقصى در کار بعضی از این هنرمندان وجود داشت جز خود ایشان کسی بدان توجه نمى کرد، و اگر کمالى داشتند تنها خود آنها در مى یافتند و خرسند مى شدند. وظیفه این هنرمندان بسیار دشوار بود. مى بایست در راهى ناهموار و ناپیدا پیش بروند، راه را هموار کنند، و دیگران، یعنی جامعه را نیز در پی خویش یکشانند و رهبری کنند.

فن نمایش باین طریق بادشواری و کندی فراوان پیش رفت؛ اما پیش از آنکه چه در موضوع نمایش یعنی آنچه کار نویسنده است، و چه در نمایشگری یعنی وظیفه ای که بمهده کارگردان و صحنه ساز و بازیگر قرار دارد کمالى بوجود بیاید و نمونه بدیع و بی نقصى عرضه شود ناگهان رو به انحطاط رفت.

رواج سینما بی شك یکی از علتهاى عمده این کساد بازار نمایش بوده است. اما مهمتر از این علت ظاهرى، يك علت معنوى مانع پیشرفت این

هنر در ایران شده است و آن تمایل روح ایرانی بکار فردی و پرهیز اواز کارهای جمعی است. برای نوشتن رمان و نمایشنامه باید نویسنده در ذهن خود با افراد گوناگون ارتباط و همزیستی داشته باشد و برای نمایشگری کار دست جمعی لازم است. این گونه کار ذهنی و عملی مورد علاقه ما نیست. شعر، بخلاف آن دو هنر، کاری انفرادی است. برای سرودن شعر، خاصه شعر تغزلی یا غنائی، همین بس است که شاعر در گوشه ای تنها بنشیند و با «خود» زندگی کند نه با دیگران، و تأثرات و آرزوهای شخصی و خصوصی خود را روی کاغذ بیاورد. این کار با روح خاص ایرانی متناسب و ملایم است و به همین سبب شعر اروپائی که در آن اغلب به بیان احساسات فردی و خصوصی اهمیت بیشتر داده می شود باب طبع جوانان ایرانی اقتاده است و اکنون فعالیت ذوقی و هنری جوانان ما بسرودن شعر مقصور و محدود شده است، و از شعر تنها یک نوع آنرا که بیان احساسات شخصی است اختیار کرده اند و در این نوع هم بیشتر توجه ایشان به توصیف احساسات شهوانی است و بی پردگی و گستاخی در اظهار حالات و لذات شهوی نزد ایشان نشانه اوج هنر شمرده می شود.

مراد ما، در این بحث، انتقاد از شعر رایج روز نیست، زیرا که این گفتگو مجالی وسیعتر می خواهد و بزودی درباره آن سخن خواهیم گفت. اما اینجا اینقدر می گوئیم که اگر هم محصول شعر امروز بسیار ارزنده و درخشان باشد باز بآن اکتفا نمی توان کرد و دریغ است که همه قریحه و ذوق و کوشش و همت هنری یک قوم تنها در یک رشته هنر صرف شود و از هنرهای گوناگون و گرانبهای دیگری که با روح زمانه بیشتر متناسب و برای اجتماع امروزی لازم تر است بکلی بی بهره و بیگانه بماند.

نمایش گذشته از اهمیتی که در عالم هنر دارد از جهت تأثیر اجتماعی و تربیتی آن در خور توجه فراوان است. نمایش نویس با نمونه های متعدد و مختلف بشر سروکار دارد. نقس و کمال ایشان را با چشم دقیق و خرده بین خود می نگرد و بدیگران عرضه می کند. مدح و ستایش بزرگوارى ها و نیکوییها و سرزنش و خرده گیری از عیبها و نواقص اخلاقی هیچ میدانی و وسیعتر و مناسبتر از صحنه نمایش ندارد. تأثیر نمایش در این امور بسیار بیشتر از شعر است، زیرا که نمایش، چنانکه می دانیم، بز اجتماع عرضه می شود و ذکر این گونه نکات در اجتماع تأثیری شدیدتر دارد.

امروز از جمله وظائفی که بعهده رهبران اندیشه و ذوق ایرانیان است تشویق صاحب ذوقان و هنرمندان به نوشتن نمایشنامه و واداشتن جوانان مستعد

به تشکیل دسته های نمایشگری است. باید وسایل و موجباتی فراهم آورد که جوان صاحب قریحه امروزی تنها راه پیشرفت در هنر را شاعری، آنهم باین صورت متبذل که می بینیم، نداند و در انواع دیگر ادبیات و هنر که فن نمایش از مهمترین آنهاست طبع و استعداد خود را بیازماید و یقین است که با توجه باین رشته بتدریج آثار برجسته و درخور تحسین بوجود خواهد آمد و ادبیات امروز ما از این فقر که در رشته های مختلف ادب دارد رهائی خواهد یافت.

این نکته نیز مسلم است که در هنری خواهان و خریدار باید باشد تا هنرمند بشوق بیاید و هنر ترقی کند. جامعه امروز ما چنانکه باید به هنر نمایش شوقی نشان نمی دهد و اگر کسانی خریدار این هنرند در شناختن نیک و بد آن مهارتی ندارند و نوع بست و بازاری آنرا بیشتر طالبند. گروه معدودی هم که در این فن بصیرتی دارند خود را بی میل و بی علاقه نشان می دهند و حاصل این کناره جوئی آنست که اگر نویسنده و بازیگر صاحب استعدادی هستند نداشتن خریدار هنر شناس ایشان را دلسرد می کند و دست از کوشش بر می دارند.

برای آنکه هنر نمایش پیشرفت کند همان قدر که نویسنده و بازیگر ماهر و زبردست لازم است تماشا کننده آگاه و هنر شناس نیز ضرورت دارد. بنا بر این ترتیب و راهنمایی تماشاگران نیز یکی از اموری است که باید در هبران قوم بعهده بگیرند. تماشا خود هنری است و این هنر را باید آموخت تا بتوان از نمایش لذت و بهره برد.

سخن امیدوار است که بتواند در این راه بسهم خود خدمتی انجام بدهد و از هم اکنون نویسندگان صاحب قریحه را دعوت می کند که طبع و استعداد خود را در این هنر بیازمایند و صفحات مجله برای انتشار نمایشنامه هائی که در نظر نویسندگان مجله قدر و ارزش کافی داشته باشد مفتوح است.